

کجروی نوعی جرم پنهان^۱

ترجمه: احمد عباسی فرد^۲

آیا کجروها متفاوت از بقیه افراد هستند؟

توضیحات دانشجویان درباره تقلب در دروس دانشگاهی جهت کاوش در یک موضوع بسیار متداول، یک باور بسیار مرسوم، حمایت شده و دلگرم‌کننده این است که کجروها به‌طور بنیادی با افراد هنجار فرق می‌کنند. هیگنیز چنین بیان می‌کند که بسیاری از ما اینکه عده‌ای از افراد مشغول رفتارهای کجرو را افرادی متمایز از خودمان می‌دانیم یک امر پذیرفته شده است. تصورات فرهنگی کلیشه‌ای از جرم و کجروی نیز که در رسانه‌های عمومی ارائه می‌شود این باور را تقویت می‌کند؛ در این‌گونه رسانه‌ها متخلفین را غالباً افرادی غیر اخلاقی، نسنجیده، بی‌خرد و یا به هر دلیلی منحصر به فرد می‌دانند. کلمن نیز معتقد است که این انگاره‌ها نهادینه شده‌اند و جاذبه گسترده‌ای دارند. ما کجروها را افرادی کاملاً متمایز از خودمان می‌دانیم و بدین وسیله عزت نفس خود را تقویت می‌کنیم تا ترس ناشی از ارتکاب به کارهای ناشایست تحت شرایط تحمیلی را در خود سرکوب نموده خود را تبرئه نماییم. تحلیل جامعه‌شناختی از رفتار کجرو نقاط متضاد مهمی را ارائه می‌کند؛ آنها افسانه "تمایز کجروها از بقیه افراد" را در زمینه‌های مختلفی به چالش کشیده‌اند. باید بدانیم که تفاوت یا تمایز "کجروها" و "بقیه افراد" به منظور شناسایی طبقه‌ای مجزا از بازبگران (اجتماعی) یک تصور غلط می‌باشد. از نقطه نظر بسیاری از جامعه‌شناسان، کجروی یک

1. American Sociological Association San 2000.

۲ عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی تراز

خصیصه یا ویژگی متمایزکننده برخی از افراد از دیگران نیست بلکه برجستگی است که به اعمال و افراد خاصی توسط افرادی که قدرت تعریف را دارند زده می‌شود. مضافاً اینکه همه افراد ظرفیت ارتکاب رفتاری که به وسیله جوامع بزرگتر برجسته‌تر و خورده‌اند، را دارند و طبقه معلمان و مدرسین ارائه فهم جامعه‌شناختی این نقطه نظر است. البته رایج بودن این افسانه - تمایز کجروها از بقیه افراد - به ویژه در میان دانشجویان دوره لیسانس، ارائه نگرش جامعه‌شناختی را مشکل‌تر می‌سازد. ویلیامز رودهیور و ستارا جو پس بردند که بسیاری از دانشجویان "آیده‌های درونی شده عمیق درباره دلایل جرم و کجروی" دارند و اغلب تمایل به یافتن توجیهاتی برای رفتارهای کجرو در ویژگی‌های شخصی افراد دارند. این مقاله یک تمرین کلاس مفید را طراحی می‌کند تا بررسی منتقدانه موضوع بالا را به آسانی بیان نماید و درک دانشجویان را از دیدگاه جامعه‌شناختی افزایش دهد. این دوره تمرین بیشتر برای استفاده در دوره‌های جرم‌شناسی و کجروی طراحی شده، لیکن در هر دوره یا خرده دوره‌ای که در آن انگیزش‌های حریم‌شکنی مرکز ثقل مطالعه است، می‌تواند مفید باشد. (در این تمرین) از دانشجویان خواسته شد تا مشارکت شخصی‌شان را در قلبی دومی مورد بررسی قرار داده، شرایط محیطی و انگیزه‌های منتهی به این رفتار را تشریح نمایند. دانشجویان از طریق بررسی در توضیحات فردی رفتار متقابلانه راحت‌تر می‌توانند کاربرد نظریه‌های کجروی را در اعمال خودشان درک کرده و شباهت انگیزه‌های دیگر متخلفین با انگیزه‌های خودشان - که تفاوت بنیادی چندانی ندارند - را بشناسند و آمادگی بهتری داشته باشند تا به بررسی منتقدانه "تمایز کجروها از دیگر افراد" بپردازند. قبل از تشریح جزئیات این تمرین بایستی استدلال‌ات جامعه‌شناختی مرتبط با انگیزه‌های کجروی به طور اجمالی مرور شوند. آمارهای جامعه‌شناختی و نظریات موجود، فرض مرسوم تفاوت کجروها از بقیه افراد جامعه را به چالش کشیده است؛ این امر به ویژه در ایده وجود ناهنجاری‌های روان‌شناختی یا بیولوژیکی به دلیل پیچیدگی رفتار کجروها مشهورتر است.

اولاً از حیث نظری، جامعه‌شناسان بی‌برده‌اند که تفسیر رفتار بر اساس بافت موقعیتی یا اجتماعی تغییر می‌کند. چه یک رفتار ممکن است در برخی موقعیت‌ها یا شرایط کجروی به حساب آید (یک آدم‌کشی از پیش تدارک دیده شده به وسیله یک غیر نظامی) اما در دیگر موقعیت‌ها رفتار هنجار (قتل توسط سرباز حین جنگ و درگیری). چنین مشاهداتی بیان می‌دارد که کجروی یک ویژگی ارثی اعمال یا افراد نیست، بلکه یک بافته اجتماعی است و وجود آن با فرایندهای بین عملی که از طریق آنها اعمال و افراد از حیث اجتماعی کجرو

تعریف می‌گردند، مرتبط است. بنابراین، کجروی و همنوایی هنگامی بهتر درک می‌شوند که از حیث برچسب یا تعریف به اعمال و رفتارها اطلاق شوند و نه ویژگی‌های فردی یا درونی. ثانیاً نظریه‌های جامعه‌شناختی رفتار کجروها مبتنی بر رد تلویحی یا تصریحی تعاریفی است که از ویژگی‌های فردی منحصر به فرد افراد مانند ناهنجاری‌های دارای ماهیت بیولوژیکی یا روان‌شناختی می‌شود، می‌باشد. نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی، این ایده را تنوع روان‌شناختی و بیولوژیکی "کم و بیش در دامنه هنجار" قرار می‌گیرد و هیچ یک یا تعداد کمی از جرایم - کجروی‌ها روان‌شناسی یا فیزیولوژی ناهنجار را به عنوان مسبب اصلی می‌دانند، می‌پذیرند. نظریه‌پردازان فشار محکم‌ترین استدلال را در این زمینه ارائه می‌دهند؛ آنها می‌گویند رفتار کجروی اغلب نشان‌دهنده "یک واکنش هنجار توسط فرد هنجار به شرایط ناهنجار است." نظریه‌پردازان یادگیری و مهار نیز ایده تمایز سرشت یا کارکرد افراد هنجار را رد می‌کنند؛ آنها بر این باورند که رفتارهای کج بهترین وسیله برای برآورده کردن آرزوهای جهانی است و در نتیجه چنین تصور می‌شود که همه افراد دارای پتانسیل رفتار کج هستند. علاوه بر آن، نظریه‌پردازان آموزشی نیز چنین استنباط می‌کنند که رفتارهای کج به وسیله همان فرآیندهای اجتماعی شکل می‌گیرند که رفتارهای غیر کج.

نهایتاً آمارها نشان می‌دهد که شیوع قانون‌شکنی (از جمله نقض حقوق کیفری) آنقدر در عوام زیاد است که تفسیر چنین رفتارهایی به عنوان نشانه‌های ناهنجاری روان‌شناختی یا بیولوژیکی مشکل است، برای مثال در دوران نوجوانی میزان مشارکت در استفاده از مواد و بزهکاری آنقدر رایج است که تنها نام هنجار می‌توان بر آن نهاد و نه ناهنجار. به همین نحو بسیاری از آمریکایی‌ها اذعان دارند که گاهی جرم‌هایی در زندگی مرتکب شده‌اند که مستحق مجازات حبس ابد می‌باشند. از این موارد می‌توان به رانندگی در حال مستی، مصرف مواد غیر مجاز، دزدی، همسر آزاری، عدم اعلام درآمد و تهیه صورت مالی غیر واقعی اشاره نمود. بنابراین، مشارکت در رفتارهای کج محدود به افراد دارای ویژگی‌های خاص مانند تعارضات روان‌پریشی نمی‌شود. همان‌طور که قبلاً نیز بیان شد باورهای عامیانه مرسوم درباره ماهیت کجروی ممکن است درک جامعه‌شناختی از موضوع را دچار مشکل نماید. دو مورد از تمرین‌های مفید که به درک جامعه‌شناختی از کجروی کمک می‌کند در ذیل بیان می‌گردد:

تمرین اول: ایجاد یک چک لیست از فعالیت‌های جتایی: در این تمرین - که نتایج موفقیت‌آمیزی داشت - دانشجویان با رفتارهایی که نقض قوانین کیفری ایالتی نامیده می‌شود

آشنا می‌شوند، مشارکت پنهان خودشان را در چنین رفتارهای اندازه می‌گیرند و سپس تعداد سال‌هایی که بایستی - به دلیل ارتکاب به این رفتارها - در حبس یا زندان بمانند و به دولت بدهکارند را محاسبه می‌نمایند. دانشجویان نوعاً حداقل یک سال و به‌طور میانگین ۲۵ سال استحقاق حبس داشتند! حال اگر یک فرد جانی را کسی که نقض قانون می‌کند تعریف نماییم در می‌یابیم که عده زیادی - اگر نه همه افراد - از ما از این حیث جانی هستیم. نتیجه اینکه رفتار جنایی خاص افراد گوش‌دراز و چشم‌ریز نیست.

تمرین دوم: ارزش آموزش بالقوه تعاملات فردی ساختاری بین دانشجویان و کجروهای برجسب خورده از طریق مصاحبه‌های شخصی با جمعی از متخلفین زندانی.

ایسن تمرین باعث افزایش توانایی دانشجویان در ایجاد ارتباط و اعمال مفاهیم جرم‌شناسی به تجربیات واقعی می‌شود و ممکن است کمک کند تا فرض عامیانه موجود درباره متخلفین به چالش کشیده شود. دانشجویی چنین می‌گوید:

”این تمرین به من کمک کرد تا درک کنم که زندانی‌ها انسان هستند با مشکلاتی مانند مشکلات ما.“

من خود تمرین اضافه‌ای را جهت آسان‌سازی بررسی منتقدانه تمایز کجروها از بقیه افراد طراحی نمودم، این مکملی مفید برای تمرینات بالا می‌باشد.

تقلبی، یک ایده نادرست

تقلبی در بین همه اقوام و ملل یک امر همه‌گیر است و رواج آن در دانشگاه‌ها و دبیرستان‌ها امری پذیرفته شده است. مسئولان مدارس، نه دانش‌آموزان، تقلبی را امری قبیح می‌بینند و از حیث اجتماعی آن را کجروی تعریف می‌کنند و افرادی که قدرت بیشتری دارند این تعریف را اجرایی می‌کنند؛ در این راستا مسئولان مدارس متخلفین اجتماعی را با دامنه‌ای از تحریم‌های ممکن مانند رد شدن در درس، تعلیق یا اخراج تهدید می‌نمایند. بنابراین، تقلبی یک مثال بسیار مفید برای آموزش می‌باشد. به دلیل آشنایی دانشجویان با رفتارهای کجرو، تصور شرایطی که چنین رفتاری را تعمیم می‌دهد برای آنها آسان می‌باشد و در نتیجه فرصت ارزشمندی دست می‌دهد تا انگیزه کجروی مورد مطالعه قرار گیرد. تمرین تقلبی من با در نظر گرفتن این فرض تهیه شد. این تمرین طراحی شد تا مثال‌های واضح و ملموس فردی از مفاهیم نظری ارائه نماید. بنابراین، معرفی مختصر مفاهیم کلیدی به وسیله

سخنرانی، بحث و یا خواندن ضروری می‌نمورد تا از تمرین تقلبی برای توضیح این ایده‌ها استفاده گردد.

از دانشجویان خواستیم که روی رفتار متقلبانه خودشان فکر کنند سپس به اتفاق رفتارها و انگیزه‌هایشان را با نظریات مختلف کجروی ربط دادیم؛ تعدادی برگه یادداشت بینشان توزیع کردیم و خواستیم که به سؤالات زیر مختصر و بی‌نام پاسخ دهند:

۱. آیا تاکنون در مدرسه تقلب کرده‌اید (مانند رونویسی پاسخ سؤالات یا تکلیف شب، یادداشت‌های غیر مجاز، سرقت ادبی، کش رفتن سؤالات).

۲. آیا در دانشکده تقلب کرده‌اید؟

اگر پاسخ به دو سؤال فوق بلی است رفتارتان را چگونه توجیه می‌کنید؟ چرا تقلب کردید؟ شرایط چگونه بود؟ آن زمان می‌دانستید که کار اشتباهی را مرتکب می‌شوید؟ آیا می‌توانیم از پاسخ‌های شما در کلاس استفاده کنیم (البته بدون نام).

پس از پاسخ به سؤالات، برگه‌ها جمع‌آوری شد و از میان تعدادی که اجازه استفاده داده بودند (که اکثریت را شامل می‌شد) چند مورد گزینش و در کلاس خوانده شد. در این تجربه، اکثریت قریب به اتفاق دانشجویان اذعان داشتند که در مراحل اولیه تحصیل، تقلب کرده بودند و عده زیادی نیز در دانشگاه توضیحات دانشجویان را مقدمه‌ای برای تئوری فشار قرار دادیم و نتایج آن را در اواخر ترم برای بیان موارد اضافه مورد استفاده قرار دادیم.

تقلبی و نظریه فشار (strain theory)

نوشته‌های دانشجویان نشان می‌دهد که رفتار متقلبانه‌شان، نوعاً، ناشی از رقابت شدید یا فشار زیاد برای کسب نمره بالا می‌باشد؛ از دیگر موارد، موانع متعدد بازدارنده کسب نمره بالا از طریق ابزارهای مشروع مانند محدودیت زمانی، تکلیف یا امتحانات غیر منصفانه می‌توان نام برد. "در دانشگاه، گرفتن نمره بالا حائز اهمیت است و من برای این نمره تحت فشار بودم، اما وقت کافی برای مطالعه نداشتم، باید نمره خوبی می‌گرفتم تا والدینم را خرسند نمایم. اسنادی به ما تکلیف نامعتمدل می‌داد - احساس کردم راه دیگری جز تقلبی ندارم تا نمره آبرومندانه بگیرم."

این عوامل مستقیماً با نظریه فشار مرتبط‌اند و این نکته در کلاس مورد تأکید قرار گرفت؛ فرض پنهان نظریه مذکور را از بدنه تئوریک رقابت متمایز می‌سازد. موفقیت به عنوان یک هدف بیانگر یک منبع بالقوه فشار جرم‌گرایانه است و احتمال کجروی زمانی که راه‌های

مشروع غیر قابل دسترس یا مسدود باشد را افزایش می دهد.

نکته جالب توجه که بعداً در کلاس به آن اشاره کردم این است که - طبق نوشته های خودشان - دانشجویان در حالی مرتکب چنین عملی شدند که از آن احساس گناه می کردند و به اشتباه بودن کارشان واقف بودند و این نکته مهمی است؛ زیرا کجروی را نمی توان تنها از حیث کم اجتماعی بودن یا بی اخلاقی توضیح داد. از نوشته ها چنین برمی آید که برخی دانشجویان ناچاراً تقلب می کردند هر چند می دانستند خلاف وجدان است.

خلاصه بحث و ارتباط آن با تئوری فشار این است که چنانچه فشار جهت دستیابی به نمره بالا برای وادار کردن دانشجو به تقلبی کافی باشد، پس مشاهده فشارهای شدیدتر برای کجروی های بزرگتر چندان مشکل به نظر نمی رسد، برای مثال محرومیت شدید اقتصادی دراز مدت احتمال بزهکاری هایی مانند تجارت مواد را افزایش می دهد.

تفسیرهای جایگزین تئوریک

تمرین توضیح داده شده می تواند بررسی منتقدانه نظریه فشار را تسهیل نماید و مقدمه ای برای معرفی تئورهای جایگزین کجروی باشد. در ادامه همین درس پس از آنکه دانشجویان اصول بنیادی نظریه فشار را آموختند به توضیحات خود گزارشی دانشجویان از رفتارهای متقابلانه شان بازگشتم و خواستم که از زاویه دیگری به موضوع نگاه کنند.

باید تأکید کنم که اتکا صرف به توضیحات شخصی متخلف بالقوه مسئله دار است. روا نیست که تصور کنیم متخلفین از انگیزه هایی که در آنها ایجاد رفتار می کنند آگاهند یا اینکه انگیزه هایشان را به طور موثقی گزارش نمایند. اگرچه بسیاری از دانشجویان رفتار متقابلانه شان را ناشی از فشار توجیه می کردند از آنها خواستم احتمال عقلایی بودن توجیهاتشان را نیز مدنظر قرار دهند؛ آنها سعی داشتند خود و دیگران را قانع کنند که تحت فشار وادار به این رفتار شده اند و از این باور خود ساخته که تنها تحت شرایط فوق العاده تقلب کرده اند - و اگر شرایط غیر از این بود چنین نمی کردند - احساس راحتی می کردند؛ بنابراین آنها، به زعم خودشان، افرادی غیر اخلاقی یا کجروی واقعی نبودند. این دانشجویان رفتارشان را به کمک دلیل تراشی های متعددی از جمله فشار شدید، رقابت، امتحانات نامعقول و محدودیت زمانی توجیه می کردند. دلیل تراشی دیگر آنها بدیهی بودن تقلبی (همه این کار را می کنند) یا غیر استاندارد بودن آزمون ها بود. پس از خواندن پاسخ های گزینش شده این دلیل را همه گیر یافتیم "نسبت به تقلبی احساس بدی نداشتم؛ زیرا معلم ما

یک فرد ناشی بود و همه از روی برگه همدیگر می نوشتند."

نظریه پردازان کنترلی بر این باورند که برخی افراد علی‌الخصوص آنانی که تعهد کمتری به قراردادهای اجتماعی دارند در مقایسه با دیگران آزادی بیشتری در ارتکاب جرم دارند و باورهای قوی اخلاقی ندارند. از این دیدگاه، توجیه دانشجویان از حیث فشار چندان عجیب نیست و چنین دلیل تراشی‌های تقلبی را امری خنثی می‌داند و دانشجویان را از کنترل درونی رها می‌کند و رفتار متقلبان را بسیار محتمل می‌سازد، از دیدگاه آموزشی این گونه دلیل تراشی‌ها، تقلب را یک شکل رفتاری مطلوب یا توجیه‌پذیر می‌نمایاند. من تأکید دارم که تمایل افراد به دلیل تراشی و توجیه رفتارهای کجرو را می‌توان در کجروی‌های بزرگتر مانند خشونت نیز شاهد نمود. آگنو مشاهده نمود که اکثریت قاطع جوانان (۹۹٪) فی‌نفسه مخالف خشونت‌اند، اما بسیاری بر این باورند که ضرب و جرح در حالت برانگیختگی یا شروع نزاع از ناحیه دیگران، استمداد یا هنگام عصبانیت کار درستی است. بدین نحو مشاهده می‌کنیم که تمایل افراد به توجیه پیچیدگی کجرویشان در یک طیف گسترده از رفتار کجرو از تقلبی گرفته تا خشونت بین فردی قابل رؤیت است. مضافاً اینکه دلیل تراشی به خدمت گرفته شده توسط متخلفین و متقلبین ممکن است در شکل و محتوی تفاوت داشته باشد، اما همان هدف یا کارکرد را دارند: توجیه اعمال کجروی و خنثی‌سازی ممنوعیت اخلاقی.

به‌طور خلاصه توضیحات دانشجویان درباره رفتار متقلبان از دیدگاه‌های نظری متعددی قابل تفسیر است، هر یک از تفسیرهای ذکر شده در بالا اشاره به تشابهات اساسی بین انگیزه و تقلب پنهانی دارند که برای اغلب دانشجویان شناخته شده است - و انگیزه‌ها و انواع دیگری از رفتارهای کجرو و پنهان.

ارزیابی و نتیجه‌گیری

من تمرین خود اظهاری تقلبی را یک ابزار آموزش مؤثر یافتم. ارزشیابی پایانی این درس نشان می‌دهد که تأثیر دراز مدتی روی دانشجویان گذاشته است. اظهارات دانشجویان نشان می‌داد که استفاده از تجربیات فردی مرتبط، توان معلم در بیان سلیس مفاهیم ناآشنا و بافت تمرین تقلبی بسیار رضایت‌بخش بوده است. ما برای اندازه‌گیری ارزش تقریبی تمرین فوق در حالت‌های عینی‌تر دست به بررسی تجربی از کارآیی آن در اواخر درس کجروی زدیم؛ این بار این تمرین را پس از مرور تئوری‌های اصلی کجروی اجرا کردیم؛ در مرور این

تئوری‌ها فرضیات اصلی هر نظریه به صورت خلاصه‌های شبه سخنرانی ارائه شد و پیش آزمونی که دانش شرکت‌کنندگان را تست می‌کرد انجام شد. موارد آزمون (مشارکت در کجروی و اعمال جنایی) دروغ، دزدی، سرقت و عدم پرداخت مالیات) از میان توضیحات خود دانشجویان انتخاب و از آنان خواسته شد تا انگیزه‌هایشان را در ارتباط با نظریه‌های کجروی به‌طور مشروح بیان کنند. (تئوری یادگیری، مهار یا فشار) پس از آن تمرین تقلبی انجام شد و بلافاصله آزمون دومی (پس آزمون) اجرا شد. این پس آزمون حاوی مواردی مشابه آزمون اول بود. همراه با این آزمون، تعدادی پرسش‌نامه باز توزیع شد و از دانشجویان خواسته شد تا ارزش‌های ادراک شده از تمرین را توصیف نمایند (آیا این تمرین مفید بود؟ آیا به شما کمک می‌کرد تئوری‌های بحث شده را بهتر فهمید؟ اگر تقلب نکرده باشید باز هم این تمرین را مفید می‌دانید؟)

نمره به دست آمده در پس آزمون تا حدی بالاتر از نمره میانگین پیش آزمون بود (۳/۱۷ در برابر ۲/۶۵) و این تفاوت به لحاظ آماری معنی‌دار بود ($P < 0.05$) پس به نظر می‌رسد که تمرین تقلبی به‌طور چشم‌گیری باعث افزایش آشنایی دانشجویان با تئوری‌های اصلی کجروی و توان آنها به اعمال این نظریه‌ها به تفسیرهای واقعی گردید. باید اشاره کرد که این نتایج قطعی و مسلم نیستند؛ زیرا ارزش‌یابی، مبتنی بر طرح درون موضوعی بود و کنترل عوامل خارجی مرتبط به زمان که باعث اجرای برتر در پس آزمون شد ممکن نبود.

پاسخ‌های داده شده به سؤالات باز شواهد دیگری از اثر بخشی تمرین ارائه می‌دهد به ما اجازه می‌دهد که به نتایج بالا اعتماد بیشتری پیدا کنیم.

گزارش‌های دانشجویان، مفید و راهگشا بودن این تمرین را نشان می‌دهد: "این تمرین به من کمک کرد که انگیزش‌های تقلبی در گذشته را درک کنم؛ در واقع من می‌توانم این تئوری‌ها را به تجربیات شخصی خودم مرتبط کنم. بنابراین، به من کمک کرد که آنها را درک کنم." من فکر می‌کنم به من کمک کرد که درک کنم چگونه ممکن است دلیل تراشی‌هایمان به وسیله دیگران تحت شرایط متفاوتی نیز مورد استفاده قرار گیرد. به عبارت دیگر من ناگهان احساس کردم که چندان متفاوت از افراد جانی نیستم - تنها تفاوت این است که من دستگیر نشده‌ام."

اگرچه تمرین تقلبی نتایج مثبتی را تولید نموده است، اما مقداری از مسائل بالقوه تمرین مذکور نیز بایستی ذکر شوند، برای مثال بعضی از دانشجویان ممکن است تقلبی را جدی نگیرند و در نتیجه ممکن است در ربط دادن انگیزه‌هایشان به انواع جدی‌تر رفتار کجرو

مشکل داشته باشند و ترجیحاً بر این باور می‌مانند که هر چند احتمالاً بسیاری دست به اعمالی می‌زنند که به دیگران ضربه می‌زند غالب افراد چنین رفتارهایی را مرتکب نمی‌شوند. به منظور رویارویی با این پدیده می‌توان اشاره کرد که تقلبی در حقیقت به این طریق ضربه می‌زند که رقابت نادرست (غیرمنصفانه) امکان حیات دیگران را کاهش می‌دهد در توضیح عمومی‌تر مسئله ضربه زدن به دیگران، نتایج من با نتایج استانی می‌لگرم تحت عنوان تجربیات اطاعتی موافقت دارد. هیگینز در این باره پیشنهاد می‌کند که افراد عادی - و نه افراد اذیت شده یا منزوی - ظرفیت توزیع ضربه هنگامی قابل انجام یا توجیه باشند را دارند. یکی دیگر از مشکلات، دانشجویانی را شامل می‌شود که قادر به تفکیک دقیق تئوری‌های کجروی نیستند، زیرا در جست‌وجوی توجیحات دقیق و درست پیچیدگی‌های کجروی می‌باشند؛ من این مشکل را این طور بررسی می‌کنم که حقیقت در داخل چنین تئوری‌های نهفته نیستند؛ بلکه نقطه مشترکی وجود دارد که تئوری‌های متعدد با هم تلاقی می‌کنند؛ بسته به نظر افراد نقطه خاصی بزرگ‌نمایی می‌گردد و ویژگی‌های متمایزکننده کجروی کمک می‌کند تا مشاهده‌گر را به فرایندهای خاصی که در درک کجروی مهم باشد حساس نماید. علاوه بر آن، احتمال ترکیب دیدگاه‌های تئوریک متعدد جهت شکل‌دهی یک مدل کامل‌تر تلفیقی را نیز به بحث گذاشتیم.